

زمان طلایی آموزش خلاقیت به کودکان

شاید بارها از خود پرسیده باشید که چگونه می‌توانید آینده درخشانی را برای فرزندتان رقم بزنید؛ با صرف پول و امکانات فراوان یا با ایجاد فرصت تحصیل در بهترین مدارس؟



سلامت نیوز: شاید بارها از خود پرسیده باشید که چگونه می‌توانید آینده درخشانی را برای فرزندتان رقم بزنید؛ با صرف پول و امکانات فراوان یا با ایجاد فرصت تحصیل در بهترین مدارس؟ خوب است بدانید این کارها آینده فرزند شما را تضمین نمی‌کند زیرا اگر کودک با آموزش‌های ساده در سن مناسب به توانمندی‌های مناسب برسد، قادر خواهد بود در آینده فرد موفق‌تری شود. والدین با توجه به نکات مهم تربیتی در دوران کودکی فرزندشان، اولین خشت‌های موفقیت وی را در آینده می‌گذارند و او قادر خواهد بود با اعتماد به نفس کافی گام‌های بعدی را بردارد. در این مطلب به اساسی‌ترین آموزش‌های کودکان ۵ تا ۷ سال پرداخته ایم که امیدواریم مورد توجه والدین قرار بگیرد. یکی از مولفه‌های توسعه در هر کشوری، داشتن نیروی انسانی کارآمد است و بهترین راه تربیت و پرورش نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری در تربیت کودکان است.

ممکن است فردی تحصیلات عالی داشته باشد و به نظر برسد برای جامعه بسیار مفید است اما اگر خلاقیت نداشته باشد، نقش چندانی در پیشرفت و توسعه کشور نخواهد داشت. آموزش خلاقیت از دوران کودکی آغاز می‌شود و پایه آن از ۵ تا ۷ سالگی گذاشته می‌شود. بنابراین فرد تحصیل کرده‌ای که در کودکی آموزش خلاقیت ندیده است، همواره دنباله‌رو باقی می‌ماند و با وجود تحصیلات عالی نمی‌تواند از توانمندی‌هایش برای توسعه و پیشرفت کشور استفاده کند.

دکتر شهرام ناصری روان‌پزشک و مشاور با بیان این مطلب به خراسان می‌گوید: برای داشتن خلاقیت، آموزش در دوران کودکی اهمیت بسیاری دارد. به بیان دیگر اولین خشت پرورش خلاقیت در کودکی گذاشته می‌شود. کودک باید بتواند از برخی مواد و وسایل چیزهایی درست کند. به عنوان مثال کودک باید بتواند با لگو خانه بسازد و یاد بگیرد با خمیر، شن و گل بازی کند یا بتواند آن‌ها را قالب بزند. استفاده از این وسایل را باید والدین به کودک یاد دهند و استفاده از شن و گل هم توصیه می‌شود زیرا به هماهنگی دست و چشم و خلاقیت کودک کمک زیادی می‌کند. سپس کودک باید بتواند توضیح دهد چه چیزی ساخته است و به صورت کلامی هدفش را بگوید.

او باید بتواند هر چیزی را با جزئیات آن درست کند به عنوان مثال اگر خمیر را شکل پیتزا درآورده است، خمیر و پنیر و مواد روی آن را هم ساخته باشد، ساختن اشیاء و وسایلی که کودک می‌بیند، یکی از نمودهای خلاقیت در کودکی است. بنابراین اگر می‌خواهید کودک خلاق داشته باشید، اجازه دهید با گل، خمیر یا لگو چیزهایی را که می‌بیند، بسازد. دکتر ناصری با بیان این که یکی دیگر از راه‌های پرورش خلاقیت در کودکان، نقاشی است، تصریح می‌کند: وضعیت کودکی که در این سن نقاشی نمی‌کند یا علاقه‌ای به رنگ آمیزی ندارد، جای نگرانی دارد. کودکان معمولاً علاقه زیادی به نقاشی کشیدن دارند و دوست دارند نقاشی‌هایشان را رنگ کنند.

کودک در این سن باید بتواند خطوط مثلث و مربع را بکشد و هرچه جزئیات نقاشی‌اش بیشتر باشد، باهوش‌تر است. به طور کلی قبل از انجام هر کار خلاقانه‌ای باید طرح آن کشیده شود. بنابراین نقاشی کودکان را در این سن باید جدی گرفت و آن‌ها را به کشیدن نقاشی با جزئیات فراوان تشویق کرد. کودک باید بتواند هدفش را از نقاشی که کشیده است بگوید و آن را تشریح کند. باید کودک حرف‌هایی را که نمی‌تواند بگوید با زبان نقاشی بیان کند. نقاشی ساده‌ترین نوع بازی کودک است و برای فهمیدن درک کودک از محیط اطرافش می‌توان از نقاشی‌های نیمه‌کاره استفاده کرد.

دکتر ناصری با اشاره به این که وانمود کردن یکی دیگر از راه‌های پرورش خلاقیت در کودکان است، توضیح می‌دهد: کودک در این سن باید بتواند نقش‌های مختلف را بازی کند. معمولاً کودکان از اشیاء استفاده می‌کنند تا وانمود کنند که در حال انجام کاری هستند. بچه‌های باهوش در این سن نقش فرد دیگری را به خوبی بازی می‌کنند و زبان و حرکات بدنی خود را مطابق با آن نقش اجرا می‌کنند. مثلاً کلاه آتش‌نشانی روی سر می‌گذارند و صدای خود را عوض می‌کنند. بچه باهوش‌تر در ایفای نقش‌های فردی با بچه‌های دیگر مشارکت می‌کند، مثلاً به دیگران تذکر می‌دهد که چگونه باید نقش بازی کنند. این دسته از کودکان قدرت رهبری گروه را دارند و می‌توانند خلاق‌تر از دیگران باشند.

رسیدن به این مرحله باعث می شود که کودک بتواند مراحل بعدی خلاقیت را بهتر طی کند. باید توجه داشت هرکاری که کودک بخواهد آن را انجام دهد نیاز به توانایی فیزیکی دارد. به عبارت دیگر کودک باید بتواند از دست هایش به خوبی استفاده کند و هوش عملی بالایی داشته باشد. در صورتی که در بیشتر موارد آموزش هایی که به کودکان می دهیم، عملی نیست و این باعث می شود کودک نتواند از توانمندی های فیزیکی اش به نحو احسن استفاده کند. باید به کودک کمک کرد که بتواند هماهنگی عضلانی - عصبی پیدا کند. کودک در این سن باید بتواند از پله های سرسره به تنهایی بالا برود و با تمرین به مهارت برسد. اگر کودکی این کارها را به تنهایی انجام ندهد، عضلات وی به هماهنگی نمی رسد. کودک باید بتواند بدون استفاده از پله ها بالا برود، هنگام راه رفتن، کاری هم انجام دهد و در نهایت حرکات پیچیده را انجام دهد. او باید از تمام قدرت دستش استفاده کند، پیچ و مهره را باز و بسته کند و با اسباب بازی های چند قسمتی بازی کند یعنی آن را ببندد و دوباره باز کند.

بستن بند کفش و بستن دکمه هم به هماهنگی دست ها نیاز دارد و کودکی که می تواند این کارها را انجام دهد یعنی هوش عملی بالایی دارد. دقت و توجه لازم والدین به همین مسائل که به نظر ساده می آید، باعث می شود یک کودک، خلاق و باهوش عملی خوب تربیت شود و در مقابل بی توجهی به این مسائل کودک را به فردی دنباله رو و فاقد هوش عملی تبدیل می کند. نکته این جاست که هر کودکی باید به توانمندی های مرتبط به سن خود برسد و این امر به توجه و آگاهی والدین و مربیان مهدکودک نیاز دارد. والدین باید بدانند هر رفتاری که با کودک خود دارند، ارتباط مستقیمی با آینده وی دارد. والدینی که وسواس زیادی روی کودک خود دارند، اغلب بچه های دست و پا چلفتی تربیت می کنند زیرا به وی اجازه تجربه کردن در زندگی نداده اند. بنابراین کودک اراده و قدرت تصمیم گیری ندارد و در بزرگسالی نیز دنباله رو خواهد بود.